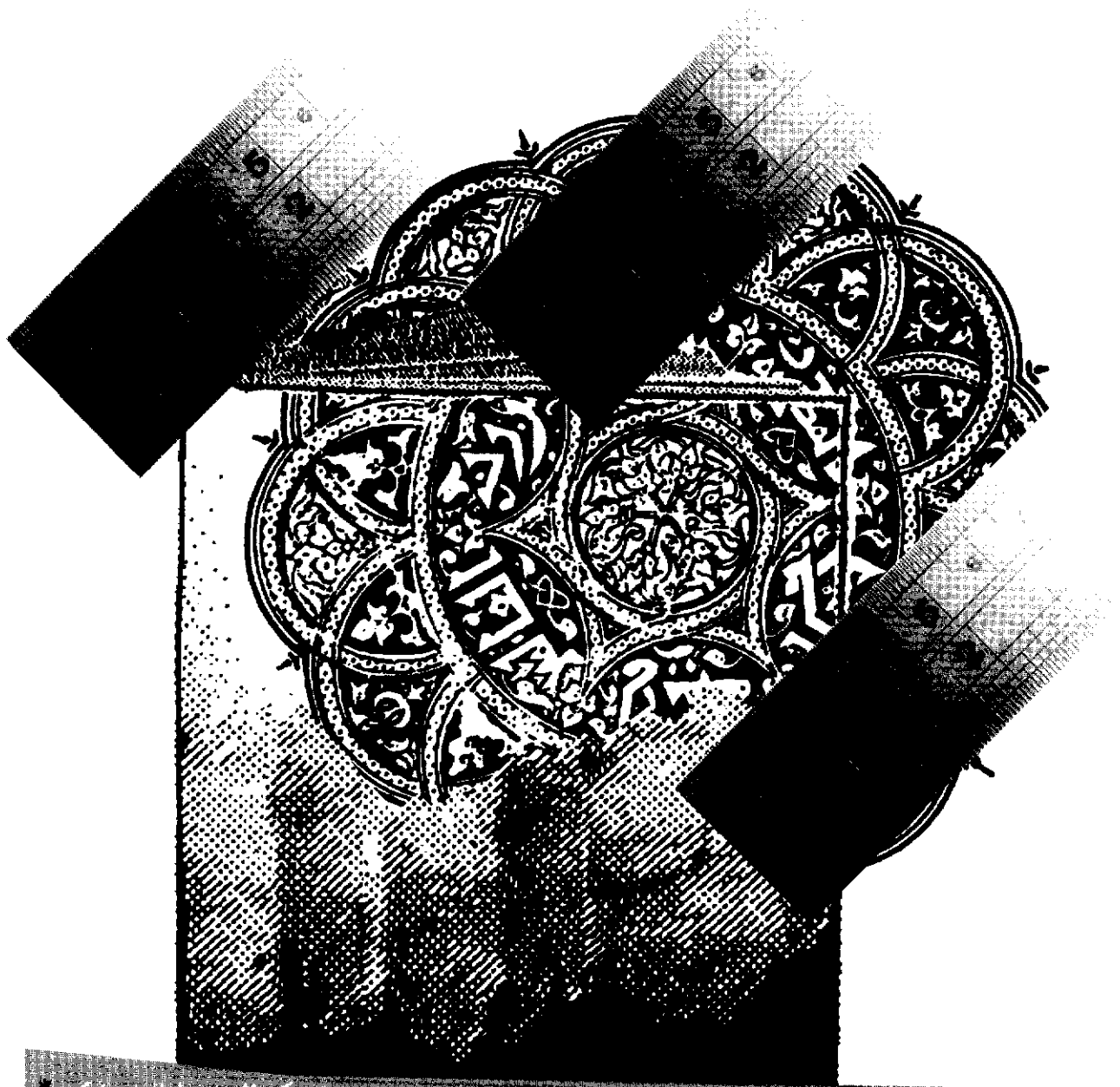


## نگرشی بر تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی

کاستی‌های موجود در چاپ‌های آتی کتاب و در تکمیل مقاله همکار محترم جناب آقای دکتر خالقی راد برخی موارد نانوخته را بنویسم:  
۱- ص ۱۹: در شرح و تفسیر آیه ۳۱ سوره مبارکه رعد مؤلف محترم بر اساس نظر ابوالفتح رازی در **روض الجنان** محذوف آیه شریفه را «لکان هذا القرآن» گرفته است. با توجه به اینکه محذوف آیه شریفه، مورد اختلاف است بهتر آن بود برای آشنایی بیشتر دانشجویان و جوه دیگر نیز گفته شود. زیرا بسته به اینکه محذوف آیه چه باشد، نتیجه حاصل از آن متفاوت خواهد بود. **تفسیر المیزان** محذوف فوق‌الذکر را نپذیرفته و

در مجله علمی و تخصصی **کتاب ماه ادبیات و فلسفه**، شماره ۷۷ (اسفند ۱۳۸۲) مقاله‌ای زیر عنوان «تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی» درج شده بود که در حقیقت نقدی است بر کتابی به همین نام از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر علی اصغر حلبی.  
از آنجا که اینجانب نیز سال‌هاست به تدریس این کتاب مشغول هستم، همچون نگارنده محترم مقاله مذکور، در ضمن تدریس آن به اشکالاتی برخورد کرده‌ام. با توجه به اینکه در این مقاله مفید برخی از اشکالات گفته شده و برخی نیز ناگفته باقی مانده، بر آن شدم جهت رفع



### دکتر ناهید سادات پرشکی

کافران است و محذوف آن را به استناد آیه ۱۱۱ سوره مبارکه انعام  
 «ماکانوا لیؤمنوا الا ان یشاء الله» می‌داند.

ضمناً لازم است این نکته نیز افزوده گردد که در این قسمت علاوه  
 بر افتادگی از متن آیه، شماره سوره و شماره آیه به ترتیب باید به ۱۳ و  
 ۳۱ اصلاح شود.

۲- ص ۲۴: برای تقسیم‌بندی آیات قرآنی عنوان «اقسام قرآن» به  
 کار رفته که نارساست و بهتر است به عبارت «اقسام آیات قرآن» اصلاح  
 گردد.

می‌فرماید:

«و اینکه بعضی‌ها گفته‌اند جزء (لو) که حذف شده چیزی نظیر این  
 است که بگوییم: (هر آینه این قرآن است) و مقصود بیان عظمت شأن  
 قرآن... این معنا با سیاق آیات به بیانی که گذشت مساعد و سازگار  
 نیست، و مخصوصاً با جمله «بل الله الامر جمیعاً» و همچنین جمله  
 بعدی: «اقلم بیاس الذین آمنوا ان لو یشاء الله لهدی الناس جمیعاً» هیچ  
 نمی‌سازد.» (المیزان، ج ۱، ص ۵۷۸).

علامه طباطبایی معتقد است آیه شریفه در مورد ایمان نیاوردن

ترجمه شده است؛ در حالی که این «قاموس قرآن» به معنی «کنار افتاده» آمده است و آیه شریفه را چنین ترجمه می‌کند: «اما کف در حالی که کنار افتاده است نابود می‌شود؛ اما آنچه به مردم سود می‌دهد در زمین می‌ماند.» (قاموس قرآن، ذیل همین ریشه)

در تفسیر المیزان نیز به همین صورت ترجمه شده است.  
۸- ص ۱۱۵، شماره ۱۰: در این بیت از فردوسی تلمیحی قرآنی وجود دارد که نوشته نشده است:  
ور از جوی خلدش به هنگام آب

به بیخ انگبین ریزی و شهد ناب  
تلمیح به آیه ۱۵ از سوره مبارکه محمد (ص):  
فیها انهار من ماء غیر اسین و انهار من لبن لم یتغیر طعمه و انهار من خمر لذة للشاربین و انهار من عسل مصفی .

۹- ص ۱۲۴: در پاراگراف دوم از این صفحه از احاطه ناصر خسرو به اخبار و احادیث نبوی... سخن گفته شده و سپس زیر عنوان «اینک چند نمونه» به آوردن شواهد این مطلب پرداخته؛ اما در شماره‌های ۸ و ۱۰ از موضوع خارج شده و بر سر آوردن آیات قرآنی بازگشته است. در صفحه ۱۷۷ (نظامی) ذیل عنوان «تأثراتی از حدیث» همین اشکال دیده می‌شود و در شماره‌های متعددی به آوردن آیات پرداخته شده است.

۱۰- ص ۱۳۴، شماره ۳: در آیه ۷ سوره مبارکه نحل برای روشن شدن فاعل «تحمل» عبارت (ای الانعام) در متن آیه افزوده شده است. طی چند سالی که به تدریس این کتاب مشغولم، در بسیاری از موارد دانشجویان دچار اشتباه شده و با حذف پراتز این کلمه را به اصل آیه اضافه می‌کنند. بهتر است این کلمه از متن آیه حذف شود و به آوردن معادل فارسی آن در ضمن ترجمه اکتفا گردد. همین مطلب در صفحه ۱۴۵ در آیه ۲۳۳ سوره مبارکه بقره نیز دیده می‌شود.

۱۱- ص ۱۳۶، شماره ۶: در بیت:

برترین مایه مرد را عقل است

بهترین پایه مرد را تقوی است  
نوشته شده: «اقتباس است از اوّل ما خلق الله العقل»  
در حالی که معنی بیت از تباطی به حدیث مذکور ندارد و عقل مطرح شده در حدیث، عقل اول یعنی نخستین مرتبه آفرینش است و عقل مطرح شده در بیت، عقل جزوی است که انسان به وسیله آن تدبیر کار

معنی شیوه‌های تفسیر قرآن دو قسم است: تفسیر عقلی و تفسیر قلبی. به نقل و احاطه از تفسیر به عقل و رأی» آورده شده است. در حالی که شیوه سومی نیز در تفسیر قرآن وجود دارد و آن شیوه تفسیر قرآن به قرآن است.

۴- در بحث «اشاره» و «التفات» هیچ مثالی از ادب فارسی اعم از شعر یا نثر که متضمن اشاره یا التفات به آیه یا حدیثی باشد، آورده نشده است.

۵- ص ۶۰: تضمین به عنوان یکی از شیوه‌های کاربرد آیات و احادیث در ادب فارسی مطرح شده است؛ بدون آنکه مؤلف محترم مثالی برای آن ذکر کند. تنها موردی که در این کتاب به کلمه «تضمین» در خصوص آیه‌ای برخورد کردم ذیل نام نظامی است در نخستین بیت مخزن الاسرار:

بسم الله الرحمن الرحيم

هست کلید در گنج حکیم

اما همان گونه که در پاورقی به نقل از معطل آورده شده تضمین به معنی استفاده از شعر شاعری در اثناى شعر دیگری است و کاربرد آیه یا حدیث تضمین خوانده نمی‌شود. علاوه بر معطل، سایر منابع نظیر ترجمان البلاغة رادویانی، فنون بلاغت و صناعات ادبی همایی، مختصر المعانی و... نیز بر همین عقیده‌اند. لذا پیشنهاد می‌کنم این بخش از کتاب حذف شود و در بیت مذکور از مخزن الاسرار کلمه تضمین به اقتباس تغییر یابد.

۶- ص ۱۰۴، شماره ۷: متن آیه ۲۵ سوره مبارکه یوسف به گونه‌ای آورده شده که با قرآن متفاوت است. در این آیه شریفه فعل «قَدَّت» به صورت مجهول نوشته شده و بالطبع اعراب کلمه «قَمِیصَه» بنا بر نیابت فاعل به رفع تغییر یافته است. و به صورت مجهول نیز ترجمه شده است: «پیراهن یوسف از پشت دیده شد».

به چندین ترجمه از قرآن مجید مراجعه کردم؛ در همه موارد متن آیه به شکل زیر آمده است: و قَدَّت قَمِیصَه مِنْ دُبُرٍ .  
ضمناً در این بخش در آیه هجدهم از همین سوره کلمه کَذِب، کَذِب نوشته شده که ظاهراً ناشی از اشتباه چاپ است.

۷- ص ۱۱۱: در ترجمه آیه ۱۷ سوره مبارکه رعد «جفاء» «شتابان»

و معاش خود را می‌نماید.

۱۲- ص ۱۴۵ - ۱۴۴، شماره ۱۲

گفت کاین هر دو را همی آشام

«کل هنیئا» که نیست بر تو حرام

نوشته شده: «... اقتباس از آیه کلاوا و اشربوا هنیئا» با توجه به تغییری که شاعر در کلمه «کلاوا» داده است باید به جای اقتباس، از صنعت «حل» نام برده می‌شد.

۱۳- ص ۱۵۰: در شرح حال خاقانی آمده است:

«خاقانی با برخی از شاعران هم عصر خویش چون رشید و طواط (که خاقانی او را قدوة الحکما نامیده) ... معارضه داشته است.»  
خاقانی، رشید و طواط را قدوة الحکما نخوانده است؛ بلکه مراد وی از قدوة الحکما در بیت زیر، عمومی دانشمند او یعنی کافی‌الدین عمر بن عثمان است:

حیات بخشا در خامی سخن منگر

که سوخته شدم از مرگ قدوة الحکما

۱۴- ص ۱۷۴، شماره ۸: در این بیت:

امی گویا به زبان فصیح

از الف آدم و میم مسیح

به عنوان تلمیح به آوردن آیه ۲ سوره مبارکه جمعه اکتفا شده است. جا داشت از آیات ۱۵۷ و ۱۵۸ سوره اعراف یاد می‌شد که لفظ «الامی» به عنوان صفتی برای وجود مقدس حضرت ختمی مرتبت (ص) به کار رفته است:

الذین یتبعون الرسول النبى الامى (اعراف / ۱۵۷)

فامنوا بالله و رسوله النبى الامى (اعراف / ۱۵۸)

۱۵- ص ۱۷۶، شماره ۱۴ بیت زیر:

چنانش در نورد آرد سرانجام

که نتواند زدن فکرت در آن گام

به آیه ۱۰۴ سوره مبارکه انبیا تلمیح دارد:

یوم نطوی السماء کطی السجل للکتب .

۱۶- ص ۱۸۲، شماره ۱۲: بیت:

رها کن غم که دنیا غم نیرزد

مکن شادی که شادی هم نیرزد

تلمیح دارد به آیه شریفه ۲۳ از سوره مبارکه حدید:

لکیلا تأسوا علی ما فاتکم و لاتفرحوا بما آتیکم .

۱۷- اشکالات متعددی در متن آیات از لحاظ اعراب‌گذاری، تغییر

حروف و کلمات، اشتباه در نام و شماره سوره‌ها، اشتباه در شماره آیات

مشاهده می‌شود که برای جلوگیری از اطالة کلام از پرداختن به آنها

خودداری می‌نمایم. امید است در چاپ‌های آتی با دقت نظر در

ویراستاری این اشکالات برطرف گردد.

۱۸- پیشنهاد می‌کنم بعضی فهرست‌ها مانند فهرست آیات،

فهرست احادیث، فهرست ابیات در پایان کتاب افزوده گردد.

### منابع:

\* دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر

۱- آیتی، عبدالمحمد: ترجمه قرآن مجید، تهران: سروش، ۱۳۶۶.

۲- الهی قمشهای، مهدی: ترجمه قرآن کریم، تهران: پرتو، ۱۳۷۳.

۳- تقفازانی، سعدالدین: شرح المختصر، قم: انتشارات تقی علامه، ۱۳۶۷.

۴- حلبی، علی اصغر: قائل قرآن و حدیث در ادبیات فارسی، تهران: اساطیر،

۱۳۸۱، ج دوم.

۵- خرمشاهی، بهاء‌الدین: ترجمه قرآن کریم، تهران: جامی و نیلوفر، ۱۳۷۵.

۶- رادویانی، محمد بن عمر: ترجمان البلاغه، به تصحیح و اهتمام احمد آتش، تهران:

اساطیر، ۱۳۶۲، ج دوم.

۷- سجادی، سید ضیاء‌الدین: گزیده اشعار خاقانی شروانی، تهران: سپهر، ۱۳۶۳.

ج سوم.

۸- طباطبایی، سید محمد حسین: تفسیر المیزان، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه

طباطبایی، ۱۳۷۰، ج چهارم.

۹- قرشی، سید علی اکبر: قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۱، ج سوم.

۱۰- معزی، محمد کاظم: ترجمه قرآن کریم، تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامی،

۱۳۷۷ هجری قمری.

۱۱- همایی، جلال‌الدین: فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: مؤسسه نشر هما،

۱۳۸۰، ج هیجدهم.